

آیا آیه ۵۵ سوره نور « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ » (النور: 55) سوال کننده : یزدان

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد ، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده ، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیّت و آرامش مبدّل می کند ؛ آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت . و کسانی که پس از آن کافر شوند ، آنها فاسقانند .

پاسخ :

اولاً : اگر آن چه را که اهل سنت ادعا می کنند صحت دارد ؛ پس چرا خود ابوبکر که در سقیفه به هر چیزی استناد کرد ؛ به این آیه استناد نکرد ؟

ثانیا : عایشه دختر ابوبکر به صراحت می گوید که هیچ آیه ای در قرآن در حق ما نازل نشده است :
ما انزل الله فينا شيئاً من القرآن .

صحیح البخاری ، البخاری ، ج 6 ، ص 42 .

هیچ آیه ای از قرآن کریم در باره ما خاندان نازل نشده است .

ثالثاً : خود علمای اهل سنت از این آیه جواب داده اند . شوکانی از مفسرین بنام اهل سنت در این باره می نویسد :

(وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات) هذه الجملة مقررة لما قبلها من أن طاعتهم لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم سبب لهدايتهم ، وهذا وعد من الله سبحانه لمن آمن بالله وعمل الأعمال الصالحات بالاستخلاف لهم في الأرض لما استخلف الذين من قبلهم من الأمم ، وهو وعد يعم جميع الأمة . وقيل هو خاص بالصحابة ، ولا وجه لذلك ، فإن الإيمان وعمل الصالحات لا يختص بهم ، بل يمكن وقوع ذلك من كل واحد من هذه الأمة ، ومن عمل بكتاب الله وسنة رسوله فقد أطاع الله ورسوله .

این جمله در حقیقت تفسیر و تأیید قبل است که اطاعت و فرمانبرداری رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) سبب هدایت و راهنمایی آنان خواهد بود و این وعده ای از جانب خدا برای کسانی که مؤمن به خدا بوده و اعمال شایسته ای انجام دهند تا اسباب جانشینی و تسلط بر زمین را به دست آورند ؛ همان گونه که در امت قای پیشین این گونه بوده است ، این وعده عام است و شامل همه امت اسلامی می شود ، اگر چه بعضی گفته اند : این وعده مخصوص صحابه است ؛ ولی این سخن ارزش ندارد ؛ زیرا ایمان و عمل صالح مخصوص صحابه نیست ؛ بلکه هر يك از افراد امت اسلامی با تحصیل این شرط وضعیت را می تواند شامل شود ، و هر کس که به دستورات خداوند در قرآن و به سنت پیامبر عمل نماید ، در حقیقت مطیع خدا و رسول است .

و در ادامه می گوید :

ومعني ليستخلفنهم في الأرض : ليجعلنهم فيها خلفاء يتصرفون فيها تصرف الملوك في مملوكاتهم ، وقد أبعد من قال إنها

مختصة بالخلفاء الأربعة ، أو بالمهاجرين ، أو بأن المراد بالأرض أرض مكة ، وقد عرفت أن الاعتبار بعموم اللفظ لا بخصوص السبب ، وظاهر قوله (كما استخلف الذين من قبلهم) كل من استخلفه الله في أرضه فلا يخص ذلك ببني إسرائيل ولا أمة من الأمم دون غيرها .

فتح القدير ، الشوكاني ، ج 4 ، ص 47 .

معناي استخلاف در زمین این است که : ما آنان را حاکمان زمین قرار خواهیم داد تا همان گونه که پادشاهان و سلاطین در آنچه تحت تصرفشان بود تصرف می کردند آنان نیز تصرف کنند . و کسانی که استخلاف را مخصوص به خلفای چهارگانه یا به مهاجران دانسته اند و مقصود از زمین را هم در آیه زمین مکه دانسته اند سخنی دور از حقیقت گفته اند ؛ چون لفظ استخلاف عام است و شامل همه مؤمنان می شود نه آن که خاص باشد و بگوییم در امم پیشین هم به گروه خاصی مانند بنی اسرائیل و یا امت خاصی اختصاص داشته است .

نسفی در تفسیر خود می نویسد :

(ليستخلفنهم في الأرض) * أي أرض الكفار وقيل أرض الكفار وقيل أرض المدينة والصحيح أنه عام لقوله عليه الصلاة والسلام ليدخلن هذا الدين علي ما دخل عليه الليل .

تفسیر النسفی ، النسفی ، ج 3 ، ص 154 .

در باره معنای این قسمت از آیه بعضی گفته اند : مقصود سر زمین مکه است و بعضی گفته اند سرزمین کفار است و نیز سرزمین مدینه هم گفته شده است ؛ ولی تفسیر دقیق و صحیح آن است که بگوییم معنای آن عام است ؛ به دلیل فرمایش رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) که فرمود : آنچه شب او را فرامی گیرد ، دین وارد آن خواهد و آن را فرا خواهد گرفت . و قرطبی از مفسرین بزرگ اهل سنت می نویسد :

قوله تعالي : (ليستخلفنهم في الأرض) فيه قولان : أحدهما ، يعني أرض مكة ، لان المهاجرين سألوا الله تعالي ذلك فوعدوا كما وعدت بنو إسرائيل ، قال معناه النقاش . الثاني ، بلاد العرب والعجم . قال ابن العربي : وهو الصحيح ، لان أرض مكة محرمة علي المهاجرين ، قال النبي صلي الله عليه وسلم : (لكن البائس سعد بن خولة) . يرثي له رسول الله صلي الله عليه وسلم أن مات بمكة . وقال في الصحيح أيضا : (يمكث المهاجر بمكة بعد قضاء نسكه ثلاثا) .

تفسیر القرطبي ، القرطبي ، ج 12 ، ص 299 - 300

در باره معنای این سخن خداوند : «ليستخلفنهم في الأرض» دو قول و نظر است : یکی آن که مقصود سر زمین مکه باشد ؛ زیرا مهاجران از خداوند تقاضای امنیت و آرامش کردند و خداوند همانگونه که به بنی اسرائیل وعده داده بود به آنان نیز وعده داده ، و این قول از فردی به نام نقاش است . قول دوم این است که مقصود سر زمین عجم و عرب است و این هم درست است و از ابن عربی است ؛ زیرا سرزمین مکه بر مهاجران حرام شده بود و در روایت صحیح آمده است که مهاجرین پس از ادای مناسک حج سه روز می توانند در مکه بمانند ؛ ولی سعد بن خوله بدبخت که پیامبر در حق وی چنین فرمود : آن قدر در شهر مکه ماند تا در همانجا از دنیا رفت .

رابعا : خداوند در این آیه وعده می دهد که تمام کسانی را که ایمان آورده اند بر تمام زمین مسلط کند (لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ) . و ارض نمی تواند اختصاص به يك مكان خاص داشته باشد ؛ بلکه شامل تمام کشورها می شود ؛ چنانچه بسیاری از علمای اهل سنت در تفاسیر خودشان بر این نکته تأکید کرده اند که مراد از «الارض» تمام کشورهای جهان است .

ثعلبی در تفسیر خودش می نویسد :

والله ليستخلفنهم في الأرض أي ليورثنهم أرض الكفار من العرب والعجم ، فيجعلهم ملوكها وسائسيتها وسكانها .

تفسیر الثعلبی ، الثعلبی ، ج 7 ، ص 114 .

خداوند آنان را وارث زمین قرار خواهد داد ؛ یعنی سرزمین کفار از عرب و عجم را تحت سلطه آنان قرار خواهد داد و آنان فرماندار و سیاست گذاران و ساکنان آن خواهد بود .

واحدی نیز می گوید :

وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض) * لیورثنهم أرض الکفار من العرب والعجم .

تفسیر الواحیدی ، الواحیدی ، ج 2 ، ص 768 .

منظور از این آیه این است که خداوند آنان (صالحان) را وارث سرزمین کفار از عرب و عجم قرار خواهد داد .

و ابن جوزی می گوید :

قوله تعالی : * (لیستخلفنهم) * أي : لیجعلنهم یخلفون من قبلهم ، والمعنی : لیورثنهم أرض الکفار من العرب والعجم ، فیجعلهم ملوکها و ساستها و ساکنها .

زاد المسیر ، ابن جوزی ، ج 5 ، ص 372 .

معنای این سخن خداوند (لیستخلفنهم) این است که آنان (صالحان) را جانشینان مردم پس از خودشان قرار خواهد داد و در حقیقت وارثان سرزمین کافر از عرب و عجم و پادشاهان و ساکنان آنان خواهد بود .

و الغرناطی الکلبی در تفسیر خود می گوید :

(لیستخلفنهم فی الأرض) * وعد ظهر صدقه بفتح مشارق الأرض و مغاربها لهذه الأمة .

التسهیل لعلوم التنزیل ، الغرناطی الکلبی ، ج 3 ، ص 71 .

این قسمت از آیه ، وعده ای است که با آزاد شدن مشرق و مغرب زمین ، به دست امت اسلامی محقق خواهد گشت .

در حالی که می بینیم در زمان خلافت ابوبکر حتی تمام جزیره العرب به تصرف مسلمین در نیامده بود ؛ چه رسد به تمام زمین .

پس قطعاً این آیه شامل هیچ یک از خلفای سه گانه نخواهد شد .

از این نکته استفاده می شود که این آیه اشاره دارد به زمان ظهور حضرت مهدی که تمام مسلمین اتفاق دارند که وقتی آن حضرت ظهور کند ، بر تمام زمین حکومت می کند و کفر و الحاد را در سراسر زمین نابود می کند .

خامساً : نکته دیگری که باید به آن توجه کرد ، ذیل آیه است که خداوند می فرماید :

وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ .

بسیاری از مفسرین اهل سنت گفته اند که مراد از آن این است که خداوند دین اسلام را بر تمامی ادیان غالب خواهد کرد و دین اسلام تنها دینی خواهد بود که در سراسر عالم پیرو خواهد داشت و بقیه ادیان همگی از بین خواهد رفت .

أبی عبد الله محمد بن عبد الله بن أبی زمنین در تفسیر خود می گوید :

(ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم) * أي : سینصرهم بالإسلام ؛ حتی یظهرهم علی الدین کله ؛ فیکونوا الحکام علی أهل

الأدیان .

به زودی به وسیله اسلام آنان را پیروز خواهیم کرد تا بر همه ادیان مسلط و فرمانروایان بر دیگر پیروان ادیان و مذاهب خواهند بود .

و این مفسر بزرگ اهل سنت برای اثبات این نظریه ، این روایت را به عنوان مؤید نقل می کند :

یحیی : عن عبد الرحمن بن یزید ، عن [سلیم] بن عامر الکلاعی قال : سمعت المقداد بن الأسود یقول : سمعت رسول الله

يقول : لا يبقي علي ظهر الأرض بيت مدر ولا وبر ، إلا أدخله الله كلمة الإسلام بعز عزيز أو ذل ذليل ؛ إما يعزهم الله فيجعلهم من أهلها ، وإما يذلهم فيدينون لها .

تفسير ابن زمنين ، أبي عبد الله محمد بن عبد الله بن أبي زمنين ، ج 3 - ص 242 - 244 .

سليم بن عامر كلاعي مي گوید : از مقداد بن اسود شنیدم که گفت : از رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) شنیدم که فرمود : هیچ خانه ای در زمین باقی نماند ؛ مگر این که اسلام وارد آن خانه شده و با رغبت آن را پذیرا شدند و یا با ذلت .

و سمعاني مفسر مشهور اهل سنت در این باره می گوید :

وقوله : * (وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم) أي : ليظهروا دينهم علي جميع الأديان .

تفسير السمعاني ، السمعاني ، ج 3 ، ص 544 - 545 .

معناي این سخن «وليمكنن ...» این است که آئین و مذهب شما را بر همه ادیان پیروز خواهیم نمود .

و ابن جوزي نیز می گوید :

قوله تعالى : * (وليمكنن لهم دينهم) * وهو الإسلام ، وتمكينه : إظهاره علي كل دين .

زاد المسير ، ابن الجوزي ، ج 5 ، ص 372 .

معناي این سخن خداوند «وليمكنن ...» این است که آن دین اسلام و معناي تمكين آن غلبه و پیروزي آن بر ادیان دیگر است . و قرطبي نیز در تفسیر خود می نویسد :

(وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم) وهو الإسلام ، كما قال تعالى : " ورضيت لكم الإسلام ديناً " [المائدة : 3] .

مقصود از دین در این آیه « ولیمکنن » اسلام است به دلیل این سخن خداوند که فرموده است اسلام را به عنوان دین برای شما برگزیدم .

و در ادامه این روایت را نقل می کند :

وروي سليم بن عامر عن المقداد ابن الأسود قال : سمعت رسول الله صلي الله عليه وسلم يقول : (ما علي ظهر الأرض بيت حجر ولا مدر إلا أدخله الله كلمة الإسلام بعز عزيز أو ذل ذليل أما بعزهم فيجعلهم من أهلها وأما بذلهم فيدينون بها) .

تفسير القرطبي ، القرطبي ، ج 12 ، ص 299 - 300 .

سليم بن عامر كلاعي مي گوید : از مقداد بن اسود شنیدم که گفت : از رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) شنیدم که فرمود : هیچ خانه ای در زمین باقی نماند ؛ مگر این که اسلام وارد آن خانه شده و با رغبت آن را پذیرا شدند و یا با ذلت .

در حالی که در زمان خلفای سه گانه حتی تمام مردم مدینه مسلمان نبودند و غیر مسلمان حتی در مدینه وجود داشت . خود اهل سنت اتفاق دارند که قاتل عمر بن الخطاب مجوسی بوده و او را در مسجد کشته است . پس معلوم می شود که این آیه هیچ ارتباطی با مشروعیت خلافت خلفای سه گانه ندارد .

سادساً : بسیاری از علمای اهل سنت در تفسیر این بخش از آیه که خداوند می فرماید :

وَلْيَبْدُلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا .

گفته اند که مراد از امنیت در آیه ، امنیتی است که تمام مردم جز از خداوند از هیچ کسی دیگری نترسند ؛ به طوری که حاکم اسلامی بتواند در میان جمعیت عظیمی بدون سلاح حرکت کند و هیچ گزندی به او نرسد . و نیز گفته اند که اگر کسی از صنعا تا حضرموت حرکت کنند ، هیچ چیزی آن ها را تهدید نکند .

قرطبي در تفسیر خود می نویسد :

وجاء في معني تبديل خوفهم بالأمن أن رسول الله صلي الله عليه وسلم لما قال أصحابه : أما يأتي علينا يوم نأمن فيه ونضع

السلاح؟ فقال عليه السلام: (لا تلبثون إلا قليلا حتى يجلس الرجل منكم في الملا العظيم محتبيا ليس عليه حديدة) . وقال صلي الله عليه وسلم: (والله ليتمن الله هذا الامر حتى يسير الراكب من صنعاء إلي حضر موت لا يخاف إلا الله والذئب علي غنمه ولكنكم تستعجلون) .

تفسير قرطبي، ج 12، ص 299.

در باره تبدیل ترس و وحشت به امنیت و آرامش این چنین نقل شده است که: پیامبر (صلي الله عليه وآله وسلم) به اصحابش فرمود: آیا روزی نخواهد رسید که با آرامش و راحتی زندگی کنیم و اسلحه را کنار بگذاریم؟ سپس فرمود: طولي نخواهد کشید که يك نفر از شما در میان جمع زيادي بدون سلاح قرار بگیرد. و فرمود: به خدا سوگند که این آرامش فراخواهد رسید آن که گونه که سواره اي از صنعا تا حضر موت از هيچ چیز نترسد مگر از خدایش و از گرگ بر گوسفندانش؛ ولي شما عجله مي کنید.

این روایتی که قرطبي به آن استدلال مي کند در بسياري از کتاب هاي اهل سنت؛ از جمله این کتاب ها آمده است.

صحیح البخاري، البخاري، ج 8، ص 56 و مسند احمد، الإمام احمد بن حنبل، ج 5، ص 111 و ج 6، ص 395 و عمدة القاري، العيني، ج 16، ص 144 و ج 16، ص 146 و ج 24، ص 99 و السنن الكبرى، النسائي، ج 3، ص 450 و صحیح ابن حبان، ابن حبان، ج 7، ص 157 و ج 15، ص 91 و المعجم الكبير، الطبراني، ج 4، ص 63 و ...

در حالی که همگی مي دانند که چنین امنیتی در زمان هيچ يك از خلفاي سه گانه وجود نداشته است. بهترین شاهد بر این مطلب کشته شدن عمر بن الخطاب خلیفه دوم در مرکز کشور اسلامي (نه در صنعا و حضر موت) و در مسجد رسول خدا و کشته شدن عثمان بن عفان به دست اصحاب رسول خدا است.

چنین امنیتی، تنها و تنها در زمان ظهور حضرت مهدي عج الله تعالی فرجه الشریف برقرار خواهد شد و احدي غير آن حضرت قادر به برقراري چنین امنیتی که در این روایت آمده است، نیست. پس این آیه هيچ دلالتی بر صحت خلافت خلفاي سه گانه ندارد.

موفق باتتبیح

گروه پاسخ به تنبهاات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)